
عکس تزئینی است

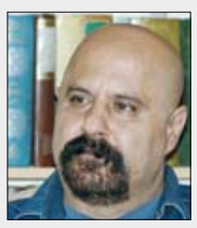
نگاهی به چگونگی برگزاری جلسات نقد و بررسی کتاب در ایران

کار جدی با نگاه رفاقتی پیش نمی‌رود

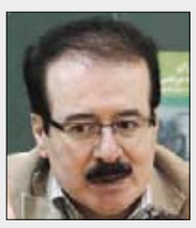
مریم شهبازی

محفل‌های ادبی اغلب به دلایل مختلفی برپا می‌شوند. گاه بهانه این دورهم جمع شدن‌های اهالی قلم و علاقه‌مندان به ادبیات، بزرگداشت یکی از بزرگان این حوزه می‌شود و گاهی هم بهانه‌ای برای خوانش شعر، داستان یا نمایشنامه. البته هر از چندی هم بهانه‌شان برگزاری جلساتی می‌شود که از آنها با عنوان جلسات نقد و بررسی کتاب یاد می‌شود. جلساتی که در آنها جمعی از نویسندگان، مترجمان و علاقه‌مندان گردهم آمده و درباره نقاط ضعف و قوت اثری مشخص با مدیریت یک یا چند منتقد صحبت خواهند کرد. البته اغلب ما می‌دانیم که جلسات نقد و بررسی آثار چگونه جلساتی هستند و در حالت آرمانی آنها به چه بهانه‌ای برگزار می‌شود. امروزمان به آن اختصاص پیدا کرده چگونگی برگزاری این جلسات و نقدهای متعددی است که به آنها وارد می‌شود. یکی از مهم‌ترین نقدهایی که اغلب به این جلسات وارد می‌شود آن است که برپایی آنها فایده چندانی ندارد! برخی از اهالی قلم نیز از این می‌گویند که وقتی ما در عرصه نقد و تریبت منتقد با فقدانی روبه‌رو هستیم که همه آن را می‌دانند پس چطور می‌توان به نتیجه برگزاری این جلسات دلخوش کرد؟! با توجه به این مسأله به سراغ تنی چند از اهالی قلم رفتیم تا از طریق انعکاس نظرات آنها از کم و کیف چگونگی برگزاری جلسات نقد و بررسی کتاب و تأثیرگذاری آنها در شرایط فعلی با خبر شویم.

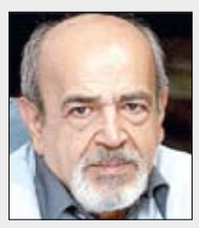
سهیل محمودی: یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف در برگزاری این جلسات بی‌توجهی به بحث مادیات در آنها است. اینکه از منتقد دعوت شود به عنوان یکی از ارکان اصلی در جلسه شرکت کند اما به وی مبلغ بسیار ناچیزی تعلق پیدا کند اقدامی حرفه‌ای نیست!بنابراین چندان عجیب نیست اگر رد پای منتقدان حرفه‌ای را کمتر در این جلسات ببینیم



ارسلان فصیحی: برگزاری جلسات نقدوبررسی تأثیر چندانی در افزایش علاقه‌مندی مردم به کتابخوانی ندارد. این مسأله نه تنها در ایران بلکه در کشورهای دیگر نیز صدق می‌کند. از همین رو باید گفت که یکی از مهم‌ترین کارکردهای این جلسات در بهترین شرایط برگزاری آنها کمک به ارتقای کیفی آثار بعدی نویسنده‌ای است که کتاب او نقد می‌شود



بهروز بهزادی: متأسفانه هنوز در میان اهالی رسانه آن طور که باید و شاید به کتاب بها داده نمی‌شود. از سوی دیگر اغلب این جلسات نقد و بررسی کتاب نیز در شرایطی برگزار می‌شوند که از سطح کیفی چندان مطلوبی برخوردار نیستند. در این زمان اهالی رسانه ترجیح می‌دهند به جای انتشار خبر این جلسات خبرهای دیگر را جایگزین آنها سازنند



■ **ذات برگزاری این جلسات مثبت است**

ارسلان فصیحی، از فعالان عرصه کتاب که وی را بیشتر با ترجمه آثار «اورهان پاموک» می‌شناسند نزدیک به ۶ سال است که در هیچ‌یک از جلسات نقد و بررسی شرکت نکرده است. وی علت این بی‌علاقگی را شرایطی می‌داند که در سال‌های گذشته در برگزاری این جلسات ایجاد شده و می‌گوید: «با اینکه به دلایلی سال‌هاست در جلسات مذکور شرکت نکرده‌ام اما معتقدم برگزاری چنین برنامه‌هایی اقدامی مثبت به شمار می‌آید. حداقل فایده‌اش این خواهد بود که کتاب به عده‌ای که آن را نخوانده‌اند معرفی می‌شود. گرچه در شرایط فعلی چندان نمی‌توان به تأثیر برپایی آنها در فروش آثار منتشر شده امیدوار شد؛ اما به هرحال با انتشار گزارش برگزاری این جلسه‌ها و نقدهایی که در آنها مطرح شده کتاب‌های مذکور به افراد بیشتری معرفی خواهد کرد. اما اینکه نقاط ضعف و قوت آنها در چیست به یکسری از شاخص‌ها بستگی دارد. شاخص‌هایی همچون اینکه چه فرد یا افرادی قرار است به عنوان منتقد در این جلسات حاضر شوند. حتی محل برگزاری جلسات نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. البته نمی‌توان در ارتباط با همه این جلسات نظر داد چراکه هرکدام در شرایط و ویژگی‌های متفاوتی برپا می‌شوند.»

فصیحی معتقد است برگزاری برنامه‌هایی از این دست برای کتاب که در عرصه جهانی و در رقابت با دیگر وسایل ارتباط جمعی به مشکلاتی دچار شده بسیار مؤثر خواهد بود. وی با تأکید بر همین مسأله می‌افزاید: «مشکلاتی که برای کتاب در رقابت با سایر وسایل ارتباط جمعی ایجاد شده تنها به ایران ختم نمی‌شود و می‌توان گفت که تمام دنیا را در برگرفته است. از هنگامی که دسترسی به اینترنت و به دنبال آن شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک، تلگرام، وایبر و... ممکن شده مخاطبان کتاب به اندازه قابل‌توجهی کم شده‌اند. شبکه‌های اجتماعی منجر به کاهش مخاطبان کتاب تا حد بسیار زیادی شده است. اتفاقا کمی قبل با کاوه میرعباسی یکی از اهالی کتاب صحبت می‌کردم. به او گفتم که چرا قدری در فضای مجازی کم پیدا شده‌ای؟! گفت من نزدیک یک ماه است که حتی برای کوتاه‌ترین زمان ممکن هم به فضای مجازی نمی‌روم. معتقد بود که فضای مجازی منجر به دور شدن وی از مطالعه شده است. این را گفتم که به شما نشان بدهم وقتی وسایل ارتباط جمعی جدید حتی یک مترجم سرشناس را از کتاب دور می‌کند دیگر چه بر سر مخاطبان عادی کتاب آمده است. شما نگاهی به اطرافیان خود بیندازید، خواهید دید که اغلب آنان سرگرم تلفن همراه، تبلت و... هستند. در چنین شرایطی که مردم در تمام دنیا از کتاب دور شده‌اند عجیب نیست که ببینیم این جلسات نیز با استقبال کمی روبه‌رو می‌شوند.»

وی می گوید: آن طور که اهالی قلم معتقدند برگزاری این جلسات تأثیر چندان قابل توجهی در افزایش علاقه‌مندی مردم به کتاب و کتابخوانی ندارد. البته این مسأله نه تنها در ایران بلکه در ارتباط با کشورهای دیگر نیز صدق می‌کند. از همین رو شاید بتوان گفت که یکی از مهم‌ترین کارکرد این جلسات در بهترین شرایط برگزاری آنها کمک به ارتقای کیفی آثار بعدی نویسنده‌ای است که کتاب او نقد می‌شود. از سویی نویسندگان و مترجمان دیگری هم که در این جلسات حضور داشته یا گزارش آنها را خوانده‌اند نیز از نتایج آن بهره خواهند گرفت.

فصیحی در ارتباط با اینکه چرا در این سال‌ها در هیچ یک از جلسات نقد و بررسی کتاب شرکت نکرده است می‌گوید: «علت اینکه ۶ سال در هیچ‌کدام از این محافل ادبی شرکت نکردم به دوران سختی باز می‌گردد که اهالی قلم در زمان دولت قبل تجربه کردند. متأسفانه در آن دوره هشت ساله بسیاری از کتاب‌ها سلاخی شدند. ممیزی‌ها بسیار سلیقه‌ای و به دور از انصاف انجام می‌شدند و در نتیجه نویسندگان و مترجمان به مرور از ادامه کار خود دلسرد شدند. اغلب وقتی آثارشان مجوز نشر نمی‌گرفت سرخورده می‌شدند و حتی گاه دست از کار می‌کشیدند. محیط فرهنگی به تعطیلی کشیده شده بود و اگر هم فعالیتی انجام می‌شد در بیشتر مواقع یک سویه بود. در خاطرم هست که از خود من پنج کتاب غیرمجاز شده بود! شما تصور کنید زمانی که فرد انگیزه‌ای برای کار نداشته باشد چطور می‌تواند به فکر حضور در جلسات مذکور باشد. آن هم کتاب‌هایی که اغلب با هزار سانسور یا تغییر روانه بازار شده بودند و مخاطبان علاقه چندانی به مطالعه آنها نداشتند. البته هم‌اکنون حدود ۲ سالی است که شرایط خیلی بهتر شده و یکی از کتاب‌های رد شده من در دوره قبل بالاخره مجوز گرفته و تجدید چاپ هم شده است.»

■ **فقدان منتقدان حرفه‌ای آسیبی جدی در عرصه کتاب**

شاید بتوان گفت یکی از دلایل مهمی که جلسات نقد و بررسی کتاب در کشورمان طی سال‌ها جایگاهی که باید و شاید را از آن خود نساخته‌اند، به این مسأله باز می‌گردد که عرصه کتاب ازفقدان منتقدان حرفه‌ای رنج می‌برد. البته افراد بسیاری هستند که ادعای منتقد بودن دارند اما باید دید که خروجی کار آنان چقدر منطبق بر استانداردهای نقد است!

فصیحی هم معتقد است که عرصه کتاب و بویژه حوزه ادبیات از فقدان مترجمان مجرب و حرفه‌ای رنج می‌برد. وی در همین باره تصریح می‌کند: «یکی دیگر از دلایلی که منجر به بی‌علاقگی مخاطبان به چنین جلساتی شده این است که متأسفانه تعداد منتقدان حرفه‌ای در کشورمان به انگشتان دست هم نمی‌رسد. با وجود این معتقدم حتی با شرایط فعلی، باز برگزاری جلسات نقد و بررسی بهتر از برگزار نشدن آنهاست. شاید نظراتی که در این جلسات مطرح می‌شود چندان منطبق بر اصول علمی نقد نباشد اما به هر حال در همین حد هم خوب است. البته نقدهای اشتباه را همیشه هم نمی‌توان نتیجه بی‌دانشی منتقدان دانست. گاهی هم این نقدها در نتیجه برداشت‌های متفاوت پیش می‌آید. در همین زمینه به خاطره‌ای اشاره می‌کنم. در یکی از سمپوزیوم‌های خارجی که به بهانه انتشار کتابی از یک نویسنده مشهور برپا شده بود؛ منتقدانی که اغلب شناخته شده هم بودند نقدهایی را در ارتباط با کتاب این نویسنده مطرح کردند که وی را متعجب کرده بود! نقدهایی که ارتباطی با هدف نویسنده از نوشتن آن نداشت.»

همان گونه که اشاره شد علاوه بر نحوه برگزاری جلسات نقد و بررسی، محل برگزاری آنها هم از اهمیت بسیاری برخوردار است. میان برگزاری یک جلسه در فضای دانشگاه یا هر محل دیگری که امکان دسترسی جمع قابل توجهی از مردم وجود داشته باشد تا محلی که در ساختمانی ناآشنا در خیابانی به اصطلاح پرت باشد تفاوت بسیاری وجود دارد. فصیحی نیز با تأکید بر همین مسأله می‌گوید: «محل برگزاری جلسات نقد و بررسی آنقدر در میزان جذب مخاطبان اثرگذار است که در اغلب کشورها سالن‌های آمفی تئاتر، اجتماعات و دانشکده‌های خود را به این مسأله اختصاص می‌دهند. در چنین شرایطی هم اهالی قلم و هم مردم علاقه بیشتری به حضور در این جلسات نشان می‌دهند چراکه احساس می‌کنند با برنامه جدی‌تری روبه‌رو هستند. پیشنهاد من به برگزارکنندگان جلسات مذکور این است که اگر به دنبال نتیجه بخشی کار خود و از طرفی جذب مخاطبان هستند به این نکته توجه کنند که محل برگزاری این جلسات از اهمیت بسیاری برخوردار است. برای خود من بارها پیش آمده که برای جلسه‌ای دعوت شده‌ام که در طبقه چندم یک ساختمان قدیمی در محل و کوچه‌ای دور افتاده بوده و آن را جدی نگرفته و نرفته‌ام! از بحث منتقدان که بگذریم در جلسات مذکور اغلب مدیریت با نظم و ترتیبی نیز وجود ندارد که این هم یکی از آسیب‌ها به شمار می‌آید و حتی منجر به رسانه‌ای نشدن خروجی آنها هم می‌شود.»

■ **مبلغی ناچیز به عنوان دستمزد برای منتقدان حرفه‌ای نیست**

با وجود آنکه اهالی قلم اغلب به نحوه برگزاری جلسات مذکور نقد دارند اما معتقدند که نفع برگزاری این جلسات حتی به شیوه فعلی بیشتر از تعطیل کردن آنها به علت اشکالات وارد شده است. **سهیل محمودی**، شاعر، نویسنده و منتقد ادبی هم معتقد است که برگزاری جلسات نقد و بررسی کتاب حتی در شرایطی که نقدهای متعددی به آن وارد است باز هم برای کتاب و اهالی‌اش خوب است. وی تصریح می‌کند: «در سال‌های اخیر یکی- دو اقدام باب شده که هر دو بسیار پسندیده هستند. یکی برپایی مراسم برای رونمایی از کتاب‌های منتشر شده و دیگری هم همین جلساتی است که شما از آن پرسیدید. برخی از مسئولان برخی از مؤسسات همچون نشر ثالث و چشمه به محض انتشار کتاب‌های خوب خود مراسم رونمایی آنها را برپا می‌کنند.

با وجود آنکه می‌گویم برپایی این جلسات در هر شرایطی بهتر از برگزار نشدن آنها است اما به هر حال در برپایی جلسات نقد و بررسی باید یکسری از شرایط در نظر گرفته شود. یکی اینکه برگزارکنندگان برای نتیجه بخش بودن فعالیت‌های خود حتما در این کار تداوم داشته باشند. هم‌اکنون در «شهر کتاب» به همت آقای محمدخانی جلسات متعددی درباره کتاب‌های منتشر شده برگزار می‌شود. البته نباید فراموش کرد که برگزاری این جلسات به یکسری از پشتیبانی‌هایی نیازد دارد. به عنوان نمونه همین جلسات برپا شده در شهر کتاب که بدون سرمایه‌گذاری مالی برپا نمی‌شوند! انجمن شاعران هم در گذشته امکان برگزاری این جلسات را داشت. به عنوان نمونه یک هفته درمیان یک کتاب شعر در انجمن نقد می‌شد اما در حال حاضر به دلیل همان بحث حمایتی که به آن اشاره شد چنین امکانی فراهم نیست.»

محمودی با تأکید بر اینکه در برپایی جلسات نقد و بررسی به حمایت‌های مادی و معنوی نیاز است تصریح می‌کند: «معتقدم سازمان‌ها و ارگان‌هایی همچون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نهاد کتابخانه‌های عمومی باید به افراد و تشکل‌هایی که خواهان برگزاری این جلسات هستند یاری برسانند. البته این حمایت نباید به گونه‌ای باشد که شکل دخالت در امور برگزاری آنها را پیدا کند. به عنوان نمونه نیازی نیست که سرای اهل قلم و خانه کتاب به طور مستقیم در برگزاری این جلسه‌ها دخالت کنند. اصلا این دخالت مستقیم چندان خوشایند مخاطبان نیست و حتی گاهی در جذب آنان تأثیر معکوس می‌گذارد. خود من در هشت سال گذشته حتی یک بار هم پایم به خانه کتاب و سرای اهل قلم نرسیده! به دلیل سیاست‌های دولت قبل در این هشت سال خودم را مقید به این کردم که به هیچ کدام از برنامه‌های این قبیل مراکز نروم. ای کاش مسئولان کاری کنند تا نیروی متخصص و امکانات مادی در اختیار تشکل‌هایی که از اعتبار کافی در میان مخاطبان برخوردار هستند قرار بگیرد.»

شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف در برگزاری این جلسات بی‌توجهی به بحث مادیات در آنها است. اینکه از منتقد دعوت شود به عنوان یکی از ارکان اصلی در جلسه شرکت کند اما به وی مبلغ بسیار ناچیزی تعلق پیدا کند اقدامی حرفه‌ای نیست! بنابراین چندان عجیب نیست اگر رد پای منتقدان حرفه‌ای را کمتر در این جلسات ببینیم

این منتقد و شاعر در این باره می‌افزاید: «باید به این مسأله توجه کنیم که یک منتقد حرفه‌ای در تمام دنیا زندگی خود را از این طریق سپری می‌کند. برای وی مطالعه آثار و حضور در جلسات نقد و بررسی به عنوان یک شغل به حساب می‌آید. بنابراین عجیب نیست اگر ببینیم در کشور ما منتقدان حرفه‌ای چندان به این کار تمایل نشان نمی‌دهند. اصلا چرا راه دور برویم خود شما و همکاران‌تان زمانی که به نویسنده‌ای حرفه‌ای سفارش مطلبی بدهید به طور حتم به او حق‌التحریر می‌دهید، اما اگر این کار را نکنید دیگر آن فرد حاضر به نوشتن برای نشریه شما نمی‌شود. در ارتباط با نقد هم همین گونه است. شما اگر به دنبال کار جدی هستید نباید با نگاه رفاقتی جلو بروید. به عقیده من نهادهایی مثل کتابخانه ملی، انجمن شاعران و انتشاراتی‌های بزرگی همچون انتشارات علمی- فرهنگی، مراکز علمی همچون دانشکده ادبیات باید امکان برپایی جلسات نقد و بررسی کتاب را داشته باشند. بسیاری از محل‌هایی که به آنها اشاره شد در مقایسه با ساختمان‌های دولتی- حکومتی از اعتبار لازم برای جذب علاقه‌مندان برخوردار هستند. از همین رو طیف وسیع‌تری از مخاطبان در این جلسات حضور پیدا خواهند کرد. بنابراین بهتر است دولت به جای دخالت مستقیم تنها به حمایت و تقویت تشکل‌هایی خصوصی بپردازد.»

اگر پای گفته‌ها و درد دل اهالی کتاب بنشینید متوجه خواهید شد حق‌التألیف و حق کپی رایت در کشور بسیار ناچیز است، آنچنان که در شرایط فعلی اگر هم به منتقدی دستمزد پرداخت شود آنقدر کم خواهد بود که او قادر به امرار معاش خود از این راه نخواهد بود. از همین رو به‌ندرت می‌توان در کشورمان به نویسندگان و مترجمانی برخورد که نوشتن شغل نخست آنان باشد. اغلب آنان در کنار شغل دیگری به نوشتن می‌پردازند تا در امرارمعاش خود در نمانند. در چنین شرایطی کار در حوزه تحقیق و پژوهش قدری سخت‌تر است و اگر قرار باشد همان دستمزد ناچیز نیز به آنان پرداخت نشود دیگر هیچ فردی به عرصه قلم قدم نخواهد گذاشت.

محمودی در ارتباط با وضعیت جلسات نقد و بررسی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ و مقایسه آن با زمان فعلی می‌گوید: «این جلسات در گذشته نیز به همین صورت برگزار می‌شدند و این‌طور نیست که گمان کنیم آن زمان بهتر بوده است. اگر به یادداشت‌های بزرگانی نظیر جلال آل احمد و هدایت نیز رجوع کنید و درد دل‌های آنان را بخوانید متوجه این مسأله خواهید شد که بنای این جلسات از اول به همین صورت بوده است. از سویی شاید بد نباشد در کم رونقی این جلسات به دایره جغرافیایی محدود مخاطبان فارسی زبان نیز اشاره کنیم. اگر تمام فارسی زبانان کشور خودمان و کشورهای همسایه را جمع کنیم فکر می‌کنید عدد حاصل چقدر خواهد شد، شما همین مسأله را برای آثار انگلیسی زبان در نظر بگیرید. به طور قطع انتشار نتیجه حاصل از جلسات مذکور در رسانه‌های متعدد وقتی دایره جغرافیای زبان آن گسترده‌تر باشد با بازتاب بسیار گسترده‌تری نیز روبه‌رو خواهد شد. از سوی دیگر بخشی از بی‌توجهی به جلسات مذکور از این مسأله ناشی می‌شود که تعداد کتابخوانان در میان مردم ما بسیار کم است. از چنین مردمی با چنین سرانه مطالعه‌ای که نمی‌توان انتظار حضور پرشور در جلسه‌های نقد و بررسی را داشت. با تکیه به چنین مواردی نمی‌توان تمام تقصیر و اشکال‌های این جلسات را به گردن منتقد، گردانندگان جلسات مذکور و حتی کتاب و صاحبان آثار انداخت. مشکل اصلی این است که کتابخوان نداریم و بحث نقدهایی که به جلسات نقد و بررسی وارد است در مراحل بعد جای می‌گیرد.»

نحوه برگزاری جلسات نقد و بررسی تنها یک سوی ماجرای اثر بخشی آنها به شمار می‌آید. بخش دیگری که در این رابطه از تأثیر بسیاری هم برخوردار است، نحوه انعکاس خبرها و گزارش‌های مرتبط با برپایی آنان است. حال در چنین شرایطی که انعکاس خبری این رویدادهای فرهنگی از اثر بخشی بالایی برخوردار است اغلب رسانه‌های کشور علاقه چندانی به انتشار آنها نشان نمی‌دهند. اگر هم خبری در این باره میهمان صفحات رسانه‌های مذکور در رسانه‌های مکتوب یا اینترنتی شود بسیار کوتاه و گزینش شده خواهد بود.

■ **چرایی غفلت رسانه‌ها از انعکاس خبرهای این جلسات**

سری به مطالب منتشر شده در رسانه‌ها که بزنید در اغلب آنها به موضوع مورد توجه ما در این گزارش کمتر پرداخته می‌شود. در اغلب آنها فضای قابل توجهی به انعکاس مطالب مرتبط با برگزاری جلسات نقد و بررسی کتاب اختصاص داده نمی‌شود، البته این مسأله بیشتر در فضای رسانه‌های مکتوبی همچون روزنامه‌ها برد بیشتری دارد، چراکه رسانه‌های دنیای مجازی همچون خبرگزاری‌ها به دلیل برخورداری از فضایی بدون محدودیت در صورت تمایل و سازگاری با اهداف و سیاست‌های رسانه خود توان انتشار اخبار متعدد را دارند. با وجود این حتی رسانه‌ها نیز به انعکاس گزارش خبری کامل این جلسات تنها در صورتی می‌پردازند که سخنرانان از میان چهره‌های شناخته شده در عرصه کتاب باشند. در غیر این صورت اگر قصد انعکاس خبرهای مذکور را داشته باشند به انتشار خبر کوتاهی از آنها اکتفا می‌کنند.

بهروز بهزادی، جانشین مدیر مسئول و عضو شورای سیاستگذاری روزنامه اعتماد در ارتباط با اینکه چرا پوشش خبری جلسات نقد و بررسی کتاب اغلب مورد غفلت رسانه‌های کشور قرار می‌گیرند، می‌گوید: «درباره علت بی‌توجهی رسانه‌ها به موضوعی که از آن پرسیدید می‌توان به دو دلیل عمده اشاره کرد؛ نخستین دلیلی که شاید بتوان به آن اشاره کرد این است که متأسفانه هنوز در میان اهالی رسانه آن طور که باید و شاید به کتاب بها داده نمی‌شود. از سوی دیگر اغلب این جلسات نقد و بررسی کتاب نیز در شرایطی برگزار می‌شوند که از سطح کیفی چندان مطلوبی برخوردار نیستند. به طور قطع زمانی که جلسات مذکور چنین اوضاع و احوالی داشته باشند اهالی رسانه که روزانه با تعداد قابل توجهی از خبرها روبه‌رو هستند ترجیح می‌دهند به جای انتشار خبر جلساتی که از کیفیت محتوایی چندانی برخوردار نیستند خبرهای دیگر را جایگزین آنها سازنند.»

بهزادی که سابقه بیش از چهل سال فعالیت در رسانه‌های مکتوب و دیداری- شنیداری را دارد در ادامه می‌افزاید: «البته نباید فراموش کرد مواردی که در ارتباط با دلایل بی‌توجهی رسانه‌ها در انتشار خبر و گزارش‌های مرتبط با جلسات نقد و بررسی کتاب به آن اشاره شد از نبود فرهنگ کتابخوانی در میان مردم کشورمان ناشی می‌شود. متأسفانه مردم ما هنوز به ضرورت کتاب و کتابخوانی در بخش‌های مختلف زندگی خود پی نبرده‌اند. این نبود فرهنگ هم تنها به قشر خاصی اختصاص ندارد و در میان تمام قشرهای مردم اعم از تحصیلکرده و به اصطلاح روشنفکر تا مردم عادی دیده می‌شود. به هر حال اهالی رسانه‌ها و مطبوعات هم از دیگر قشرهای مردم جدا نیستند و طبیعی است که آنان نیز هنوز به اندازه کافی پی به ضرورت بها دادن به مطالب مرتبط با کتاب و موضوعی که شما به طور مستقیم به آن اشاره کردید نبرده باشند.»

وی معتقد است بخشی از این بی‌توجهی به کتاب و کتابخوانی از تصوراتی ناشی می‌شود که در گذشته در فرهنگ مردم نسبت به کتاب وجود داشته و می‌گوید: «اگر به تفکرات غالب در نسل‌های قبل و دوران کودکی پدربزرگ و مادربزرگ‌هایمان توجه کنید به تصورات متفاوتی درباره مطالعه برخواهید خورد. همان‌گونه که به احتمال بسیار می‌دانید در گذشته تفکر چندان خوبی درباره کتاب و افرادی که به آن علاقه‌مند هستند وجود نداشت. اغلب مادر و پدرها گمان می‌کردند که اگر فرزندان آنان به سراغ کتاب بروند گمراه شده و حتی ممکن است دچار فساد اخلاقی شوند! چه بسا به دنبال همین تفکراتی که ریشه در گذشته دارد سازمان‌ها و وزارتخانه‌هایی همچون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز شروع به ممیزی کتاب‌هایی که قصد انتشار آنها را داشتند کردند.»

بهزادی متعقد است در جامعه‌ای که چنین پیش زمینه‌ای وجود دارد و از سویی کتاب‌ها قبل از انتشار باید ممیزی شوند چندان دور از انتظار نیست که اگر ببینیم ترجیح نسل‌های جوان‌تر به این است که بیشتر به سراغ فضای مجازی بروند تا کتاب‌های چاپی به شکل سنتی آن. به عقیده بهزادی در شرایط فعلی اگر مسئولان خواهان آشتی مردم با کتاب هستند باید به فکر اقداماتی بنیادی از جمله حذف ممیزی کتاب‌ها باشند. تا وقتی که اعتماد مردم دوباره به سوی صنعت نشر جلب نشود برگزاری جلسات نقد و بررسی نیز فایده چندانی نخواهند داشت و کمتر فردی علاقه‌مند به شرکت در آنها خواهد بود. از سوی دیگر جلسات نقد و بررسی کتاب نیز باید با در نظر گرفتن استانداردهای لازم برپا شوند تا مخاطبان گمان نکنند که حضور در آنها تنها اتلاف وقت به شمار می‌آید. البته این مسأله در ارتباط با همه جلسات نقد و بررسی صدق نمی‌کند و نمی‌توان نقدهای موجود را به تک تک آنها نسبت داد. با وجود این مشکلاتی که به برخی از آنها اشاره شد در جلسات نقد و بررسی کتاب دیده می‌شود و به گفته اهالی قلم و مخاطبان منجر به دور شدن مردم از آنها شده است.